

دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال تحولات مصر (دوره بعد از مبارک تا برکناری مرسی)

غلامرضا کریمی^۱ - حسینعلی توتی^۲ - سید محمدرضا موسوی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱

چکیده

وقوع موج اخیر تحولات خاورمیانه، جایگاه نوینی به بحث نرم افزارگرایی و دیپلماسی عمومی در سیاست منطقه ای ایالات متحده بخشید و بر اساس آن، مهندسی ساختاری کشور مصر در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در دستور کار راهبردهر دپردازان آمریکایی قرار گرفت. پژوهش حاضر با طرح این سوال که دیپلماسی عمومی آمریکا بعد از وقوع تحولات انقلابی در قبال مصر از برکناری مبارک تا محمد مرسی چگونه بوده است؟ به این پاسخ رسیده است که با وقوع تحولات اخیر در مصر و چالش در دستگاه دیپلماسی ایالات متحده، این کشور در ابتدا به دنبال آن بود تا با بهره گیری از دیپلماسی عمومی؛ بتواند افکار

۱ استادیار روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی Ghkarimi@khu.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی h.tooti@ut.ac.ir

۳ کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبائی moosaviut@gmail.com

عمومی مردم مصر را نسبت به خود بهبود بخشید و حسنی مبارک را در جایگاه خویش حفظ نماید؛ اما با سرنگونی مبارک، آمریکا به دنبال آن بود تا از طریق دیپلماسی عمومی، آینده مصر را به سمتی پیش ببرد تا بتواند تسلط خود را بر گروه‌های هم پیمان آمریکا و همچنین گروه‌های خنثی در این کشور ادامه دهد. و در مقطع بعد از برکناری مرسی نیز آمریکا برای مدیریت بحران بیداری اسلامی مردم مصر، «مهندسی افکار عمومی» را در دستور کار خود قرار داده است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، افکار عمومی، آمریکا، مصر، تحولات انقلابی.

مقدمه

تحولات تاریخ سیاسی آمریکا نشان می‌دهد که شاخص‌های نرم افزاری قدرت ملی در قرن ۱۹ ماهیت اقتصادی داشته است. در اوایل قرن ۲۰، چنین شاخص‌هایی را می‌توان براساس سازماندهی و قاعده‌مندسازی نهادهای بین‌المللی مورد توجه قرار داد. این روند تا زمان شکل‌گیری جنگ جهانی دوم ادامه یافت. در خلال دو دهه بعد از جنگ جهانی دوم، فعالیت‌های بین‌المللی آمریکا براساس این فرض قرار داشت که تکنولوژی و مهارت در مدیریت به او امکان خواهد داد تا نظام بین‌المللی را تغییر شکل داده، دگرگونی‌هایی را در داخل کشورهای تازه استقلال یافته به وجود آورد؛ اما طی این مدت ثابت شد که چنین برداشتی از نظم بین‌المللی، بسیار سطحی است.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود که بار دیگر موضوع ارتباط افکار عمومی و سیاست خارجی در قالب دیپلماسی عمومی توسط حاکمان ایالات متحده به شدت مورد توجه قرار گرفت. این حوادث باعث شد که یک بار دیگر

تحلیل‌گران و کارشناسان بر نقش غیرقابل انکار دیپلماسی عمومی در مناسبات بین‌المللی تاکید کنند. آنها بر این باور بودند که نسبت به منطقه خاورمیانه و مسلمانان آن بی‌توجهی شده است. در همین راستا، برخی از صاحب‌نظران همانند جوزف نای معتقد بودند که نادیده گرفتن دیپلماسی عمومی به عنوان اولویت اصلی آمریکا پس از فروپاشی کمونیسم یکی از دلایل عمده نفرت موجود در جهان اسلام علیه این کشور است؛ بنابراین، وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر باعث شد که پس از یک دهه کاهش فعالیت در زمینه دیپلماسی عمومی، این مسئله یکبار دیگر پس از جنگ سرد، اما این بار در منطقه خاورمیانه مورد توجه دولت‌مردان ایالات متحده قرار گیرد.

بعد از کناره‌گیری مبارک از قدرت، شورای انتقالی نظامی سریعاً وعده اصلاحات سیاسی داد. این تحولات در مصر تنها دارای اهمیت داخلی و منطقه‌ای نبود، بلکه در ابعاد بین‌المللی نیز با منافع و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، به خصوص آمریکا ارتباط تنگاتنگی داشت. اهمیت سرنگونی حسنی مبارک و جابه‌جایی قدرت در دوران محمد مرسی در این کشور به آن اندازه‌ای است که می‌توان آن را سرآغاز دوران جدیدی در خاورمیانه دانست؛ به ویژه آنکه مصر به مدت سی سال جزء اقطار آمریکا به شمار رفته و به عنوان یک وزنه سیاسی در دنیای عرب، نقش اساسی در حمایت از منافع اسرائیل داشته است. هرچند دولت آمریکا نقش بسزایی در حمایت از نظام حسنی مبارک داشت و به عنوان یکی از عوامل اصلی تداوم نظام وی محسوب می‌شد و طبیعتاً باید مورد حمله انقلابیون مصری قرار می‌گرفت؛ اما با درپیش گرفتن سیاست یک بام و دو هوا در قبال اخوان المسلمین مصر همچنان به عنوان یکی از بازیگران اصلی تحولات سیاسی مصر در حال نقش‌آفرینی است. سیاست‌گذاران ایالات متحده در

حال حاضر با سوالات پیچیده‌ای درمورد آینده روابط مصر و ایالات متحده روبرو هستند. مصر، امروز نمایانگر محیط سیاسی پیچیده‌ای برای دیپلماسی عمومی است؛ لذا سؤال این است که چه عاملی باعث تداوم حضور (یا نفوذ) آمریکا در صحنه تحولات سیاسی مصر شد و نقش دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی آمریکا در دوره پس از بیداری اسلامی در مصر چیست؟ روش پژوهش این مقاله توصیفی - تحلیلی و بر مبنای روش کیفی و منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسنادی می‌باشد. این مقاله با تأکید بر مقوله افکار عمومی مصر به عنوان پیشگام در موج جدید بیداری اسلامی، گردآوری و تحلیل گردیده است. و از سویی با تأکید بر کارویژه مهندسی افکار عمومی، انقلاب مصر و روابط میان دو کشور آمریکا و مصر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

چارچوب مفهومی پژوهش

بدون هیچ تردیدی به منظور بررسی و شناخت مناسب تر و با کیفیت تر پدیده‌ها و تحولات و روندهای سیاست بین‌الملل، استفاده از چارچوب نظری مناسب که به تجزیه و تحلیل مسایل مطرح در این عرصه کمک کند، بسیار ضروری است. اما به لحاظ فراوانی و تنوع مکاتب و رویکردهای نظری موجود در عرصه روابط بین‌الملل، پژوهشگر به ناچار باید با جستجویی دقیق در میان رویکردها و مکتب‌های مختلف نظری، به انتخاب رویکردی پردازد که وی را بتواند در زمینه بررسی موضوع پژوهش و مسأله مورد بررسی اش بهتر یاری کند. بنابراین به این دلیل که رهیافت «قدرت نرم با تأکید بر دیپلماسی عمومی» توضیح و تبیین جامع‌تر، مناسب‌تر و قابل دسترسی‌تری را از شرایط نظام بین‌الملل و فضایی که توسط محقق مورد بررسی قرار می‌گیرد، ارئه می‌دهد، این رهیافت توسط محقق به عنوان

چارچوب نظری در این پژوهش انتخاب شده است. و محقق سعی می‌کند با استفاده از این چارچوب نظری به بررسی بهتر دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال تحولات انقلابی در مصر، بپردازد.

اما در میان تحلیل گرانی که به قدرت نرم پرداخته اند، جوزف نای از جایگاه خاصی برخوردار است. وی در تحلیل خود بر مبنای بروز تحولات گسترده در عرصه تعاملات بازیگران بین المللی به بروز اشکال جدیدی از منابع قدرت در قالب تکنولوژی، ارتباطات و ... اشاره کرده است. (Glassman, 2010: 1-3).

براین اساس، او راهکار اصلی برای احیای قدرت و نقش آمریکا در شرایط پس از جنگ سرد را دستیابی به توانمندی لازم در جهت کنترل رفتار دیگر بازیگران می‌داند. وی در این باره بر ضرورت توسل به منابع جدید قدرت از جنس قدرت نرم تاکید کرده و مولفه هایی چون فرهنگ آمریکایی، ارتباطات انبوه و ... را به عنوان دستمایه و پیش برنده اهداف آمریکا در شرایط جدید مورد توجه قرار می‌دهد. به کارگیری تئوری قدرت نرم جوزف نای، مستلزم تاکید بر ضرورت توجه به کارکردها، قابلیت ها و مطلوبیت های قدرت نرم در راهبرد امنیتی و سیاست خارجی و سیاست دفاعی ایالات متحده آمریکا است.

در یک نگاه کلان می‌توان قدرت نرم را استفاده دقیق و حساب شده از ابزارها و عناصر مختلف قدرت در دیپلماسی عمومی نوین نامید و کسب فرافناوری ها و دانش های نو، جایگاهی مهم در افزایش قدرت هوشمندانه یک بازیگر در محیط جدید جهانی دارد و ظرفیت آن برای ایجاد خلاقیت و نوآوری در عرصه دانش و کسب فناوری های نو می‌تواند به توسعه قدرت نظامی و اقتصادی آن منجر شود. باتوجه به اهمیت فزاینده دیپلماسی عمومی نوین گزاره دوم پژوهش تایید شد که شکل گیری قلمرو عمومی جدید جهانی باعث شده که

دیپلماسی عمومی نوین به یکی از عناصر اصلی افزایش قدرت نرم و هوشمندانه دولت‌های مختلف جهان تبدیل شود.

دیپلماسی عمومی آمریکا و تحولات انقلابی در خاورمیانه

افزایش اهمیت قدرت نرم به ویژه در مورد خاورمیانه بسیار زیاد است. وسایل ارتباط جمعی در جهان امروز، جهان‌های ذهنی و غیر واقعی را به دنیا مخابره می‌کنند. آنها دیگر به انتقال واقعیت فکر نمی‌کنند، بلکه واقعیت‌ها را می‌سازند. هدف رسانه‌ها از قدرت نرم در ابتدا مدیریت افکار عمومی نیست، بلکه رسانه‌ای در این دنیا موفق است که بتواند با افکار عمومی حرکت کند و خود را سازگار با آنها نشان دهد. با از دست دادن مشروعیت ایالات متحده در منطقه که از دکتربوش ناشی می‌شد آمریکا خسارات زیادی متحمل شد. جنگ در عراق و افغانستان و رسوایی در گوانتانامو، ابوغریب و نقض حقوق بشر از طرف دولت اسرائیل و حمایت از دولت‌های استبدادی در جهان عرب، قدرت نرم آمریکا را تضعیف کرده است؛ لذا با توجه به تجربه‌های گذشته، وزارت خارجه آمریکا به ادغام رسانه‌های اجتماعی به دیپلماسی عمومی اش اقدام کرده است.

در عصر رسانه‌های نوین جهانی، به مدد تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات کسب قدرت نرم به مراتب راحت‌تر از به دست آوردن و نگهداری (قدرت سخت) است و دولت‌ها اگر بتوانند مفاهیم جدید امنیتی را برای خود، باز تعریف کنند، در آن صورت مجبور نیستند لشکرهای عظیم نظامی خود را تقویت کنند؛ بنابراین ایالات متحده سعی دارد با بهره‌گیری از قدرت نرم در تمامی اشکال آن خود را با تحولات منطقه همراه سازد تا همچنان بتواند نفوذ خود را در این منطقه استراتژیک حفظ نماید. در مواجهه با چالش‌هایی که طی جریان مبارزه با

تروریسم به ویژه در منطقه خاورمیانه برای نوحفاظت کاران آمریکایی ایجاد شده است، موضوع استفاده از مؤلفه های نرم افزاری ایالات متحده و دیپلماسی عمومی به تفصیل مورد بحث اندیشمندان و سیاستمداران این کشور قرار گرفت. در واقع، تبیین موضوع قدرت نرم از سوی محافل علمی و سیاسی ایالات متحده را باید پاسخی به تهدیدها و خطرهای امنیتی آمریکا در حوزه های جغرافیایی مختلف از جمله خاورمیانه دانست. تجدید ساختار کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی و تشکیل دفتر ارتباطات جهانی در کاخ سفید و ایجاد پست مشاور رئیس جمهور در امور ارتباطات جهانی در شورای امنیت ملی نشان از اهمیت یافتن موضوع دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه در آن برهه از زمان دارد. در آن مقطع زمانی، مهم ترین آماج سیاست گذاری خارجی و امنیتی واشینگتن در سطوح اعلامی و اعمالی خاورمیانه است که با توجه به رایه تعریفی جدید از دشمن و منابع نامنی و تهدیدزا، علاوه بر رویکرد سخت افزاری به مقوله امنیت، رویکرد نرم افزاری نیز نسبت به این منطقه در دستور کار سیاستمداران و راهبردیپردازان آمریکایی قرار گرفت (Gordon, 2003: 155-165).

انقلاب هایی که در سرتاسر خاورمیانه به راه افتاده است به گمان آمریکایی ها موفقیتی برای سیاست خارجی آمریکا در زمینه اعمال قدرت نرم در این منطقه می باشد. در واقع قدرت نرمی که از طریق رسانه ها و دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی مبادله ایجاد شد، نقش مهمی در بوجود آوردن مطالبات مردم که خواهان دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اقتصادی و اجتماعی هستند، داشته است. اما از این نکته نیز نباید غافل شد که با شکل گیری خیزش های مردمی در جهان اسلام و عرب قدرت سخت آمریکا به چالش کشیده شده است؛ برای مثال کیفیت غیر خشونت آمیز معترضان مصری یک مشروعیت مقاومت ناپذیری در

مقابله با خشونت و بی‌عدالتی ایجاد کرده است. و بسیاری از روایات وحشتناک و الهام بخش از مصر از طریق فیس بوک و تویتر در این ناحیه به بیرون انتقال می‌یابد؛ بنابراین انقلاب مصر و تحولات سایر کشورهای منطقه هم نیازها و امکانات قدرت نرم را برای آمریکا مطرح کرده است و هم شرایطی را ایجاد کرده است که ایالات متحده باید نسبت به آن واکنش نشان دهد.

جایگاه دیپلماسی عمومی در ساختار سیاست خارجی آمریکا

وزارت خارجه آمریکا دیپلماسی عمومی را به عنوان «برنامه‌هایی که با هدف ارائه اطلاعات و تاثیرگذاری مثبت بر افکار عمومی کشورهای خارجی اجرا می‌شوند و از سوی دولت مورد حمایت قرار می‌گیرند» تعریف کرده است (2012/9/18, www.rand.org).

بنابراین، هدف اصلی ایالات متحده از دیپلماسی عمومی تامین منافع ملی این کشور بوسیله تثبیت قدرت نرم است تا از این طریق بتواند حمایت و احترام سایر کشورها را بدست آورد. به عبارت دیگر، هدف دیپلماسی عمومی تفاهم، تعامل، اطلاع‌رسانی و نفوذ در عموم مردم خارجی با هدف دستیابی به منافع ملی ایالات متحده آمریکا عنوان شده است. بر اساس این تعاریف و اهداف، شاخص‌های دیپلماسی عمومی در مفهوم آمریکایی خود، شامل دو گونه دیپلماسی فرهنگی (رویکردهای فرهنگی سیاست خارجی) و ارتباطی می‌شود و به کاربرد ابزارهای بین فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی و سیاست خارجی اشاره دارد (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۴). به طور کلی فیلم‌ها، ایده‌ها، ایدئولوژی و زبان اغلب به عنوان شاخص‌های عینی دیپلماسی عمومی در نظر گرفته می‌شود. فعالیت‌هایی از قبیل فعالیت‌های امور عمومی، فعالیت مطبوعات، مبادلات آموزشی و فرهنگی، مبادلات بین‌المللی، فعالیت‌های مربوط به اطلاعات و فرهنگ، برنامه‌-

های رادیو و تلویزیون بین‌المللی و فعالیت‌های تحت حمایت دولت آمریکا و همچنین برنامه‌های مربوط به سازمان‌های غیردولتی از عناصر اصلی دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۴۸).

در یک صورت‌بندی کلی می‌توان شاخص‌های دیپلماسی عمومی آمریکا را در چهار حوزه تقسیم‌بندی کرد:

- ارتباطات
- برنامه‌های آموزش و تبادل (قلب دیپلماسی عمومی)
- اعمال دیپلماسی عمومی (از قبیل؛ آموزش و پرورش، توسعه اقتصادی و بهداشتی که بر روی زندگی مردم تاثیرگذار است)
- رادیو و تلویزیون بین‌المللی (Glassman, 2010: 3-5).

دیپلماسی عمومی و سیاست خاورمیانه ای آمریکا (با تاکید بر مصر)

دیپلماسی عمومی ایالات متحده در راستای افزایش قدرت نرم این کشور در خاورمیانه، گروه‌های گوناگونی را هدف قرار داده است؛ از جمعیت محروم و روستایی گرفته تا نخبگان اقتصادی و سیاسی، اساتید دانشگاهی و دیگر عوامل مؤثر در اخذ تصمیم‌های محلی و ملی در کشورهای خاورمیانه. دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا با کنترل اطلاعات و با ابزارهایی همچون کمک مالی، جزوات و پوسترهای تبلیغاتی، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، مجله، کتاب، فیلم، موسیقی، تبادل استاد و دانشجو، گسترش صنعت گردشگری، بهره‌گیری از قابلیت‌های مهاجران، فعالیت‌های آموزشی و نیز ورود جدی به مباحث مذهبی به مثابه مهم‌ترین عامل قدرت نرم خود را در خاورمیانه اعمال می‌کند؛ همچنین کمک‌های خارجی از ابزارهای مهم واشینگتن برای پیشبرد نفوذ در کشورهای

خاورمیانه بوده و است؛ برای مثال، طبق گزارش شورای امنیت ملی آمریکا در طول جنگ سرد، برنامه های کمکی ایالات متحده به کشورهای خاورمیانه ای باید به گونه ای طراحی می‌شد که به اهداف روان‌شناختی دست یابد. (United States Embassy, 1952).

States Embassy, 1952

می‌توان بیان کرد که بهترین ابزار برای تقویت قدرت نرم ایالات متحده در خاورمیانه، استفاده از رادیو و تلویزیون است که در عین حال، مشکل‌سازترین، دشوارترین و ظریف‌ترین آن‌ها نیز محسوب می‌شود. بر همین اساس، گرچه ایالات متحده از سابقه طولانی پخش برنامه های رادیویی برخوردار است، پخش این برنامه ها برای متحدان راهبردی این کشور در منطقه بسیار دشوار است (درویش، ۱۳۸۴ : ۱۴۸).

به نظر می‌رسد که در کوتاه مدت، ایالات متحده برنامه های صدای آمریکا به زبان های مختلف را در خاورمیانه تقویت کند و در میان مدت، ایده تأسیس شبکه های تلویزیونی خاورمیانه را با احتیاط پیگیری نماید تا حساسیت متحدان منطقه ای این کشور برانگیخته نشود. آمریکا همچنین به منظور گسترش ارزش های غربی به خاورمیانه، از مدت ها پیش راهبرد نفوذ فرهنگی و عقیدتی را در کشورهای منطقه به کار بسته است. در واقع، تعقیب جدی برنامه های عقیدتی ایالات متحده از جمله القای لیبرالیسم و مسیحیت، همواره جزئی از اهداف آمریکا در خاورمیانه بوده است. بر همین اساس بود که این کشور در طول جنگ سرد، علاوه بر انتشار آثار ضد کمونیستی در خاورمیانه، تعداد زیادی کتاب و جزوه شامل مباحث عقیدتی در حوزه مذهب مسیحیت و مرام لیبرالیسم روانه بازارها و کتابخانه های کشورهای منطقه کرد. به این منظور، سفارتخانه های آمریکا در منطقه، کتاب ها و مجلاتی را با موضوع تاریخ مذاهب، تاریخ معاصر غرب، فلسفه

سیاسی و رمان به نام افراد منتشر می‌کردند که در آن هیچ اشاره‌ای به سفارت یا دولت در آمریکا نمی‌شد (United States Embassy, 1951).

در حال حاضر نیز طرح تغییر متون آموزشی و درسی کشورهای اسلامی و عربی مورد توجه جدی سیاست‌مداران آمریکایی قرار گرفته است. بر این اساس، واشینگتن سعی دارد با تغییرات در متون آموزشی کشورهای خاورمیانه، نفرت افکار عمومی این منطقه را علیه سیاست‌های این کشور کاهش و در نهایت پایان دهد؛ زیرا ایالات متحده احساس می‌کند علت احساسات ضد غربی در کشورهای خاورمیانه، در متون آموزشی این کشورها به ویژه در کانون‌های مذهبی و درسی نهفته است. بنابراین دستگاه دیپلماسی آمریکا بنا دارد برای افزایش نفوذ این کشور در خاورمیانه، با اقتدار و پویایی اسلام در منطقه مقابله کند و چهره‌های مؤثر اسلامی در منطقه را همراه با اماکن اسلامی تأثیرگذار در سرنوشت منطقه به تدریج از میان بردارد و در این جهت از ظرفیت‌های سیاسی خود در قالب ۱۵ سفارت‌خانه و بیست و سه رایزنی فرهنگی در پانزده کشور خاورمیانه استفاده کند؛ اما ناگفته پیداست که تغییر ارزش‌ها و اعتقادات اساسی در خاورمیانه و جایگزینی فرهنگ بیگانه به عنوان برتر، نه تنها کمکی به افزایش نفوذ و در نهایت قدرت نرم ایالات متحده در منطقه نخواهد کرد بلکه در راستای کاهش بیش از پیش محبوبیت و اعتبار آمریکا در جوامع خاورمیانه‌ای پیش خواهد رفت. (www.publicdiplomacy.wikia.com:1392/01/10).

درواقع کشور خاورمیانه دارای قراردادهای همکاری علمی و تبادل استاد و دانشجویست. مهاجران و مسلمانان مقیم آمریکا، یکی دیگر از اهداف دیپلماسی عمومی ایالات متحده و مؤلفه‌های قدرت نرم این کشور را تشکیل می‌دهد. روند مهاجرت از خاورمیانه به ایالات متحده، بسیار سریع‌تر از مهاجرت به این کشور به طور کلی است؛ در حالی که مسلمانان مهاجر از خاورمیانه طی سال ۱۹۷۰

می‌لادی تنها پانزده درصد ۲۹ هزار نفر از کل جمعیت مهاجر به ایالات متحده را تشکیل می‌دادند، این رقم در سال ۲۰۰۰ می‌لادی به هفتاد و سه درصد رسید که معادل یک میلیون و صد هزار مهاجر، گرچه حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، منجر به کاهش مسلمان بود (D'Agostino, 2002:25).

مسلمانان همچنان بزرگ‌ترین گروه مهاجر به آمریکا محسوب می‌شوند. این گروه که بیشتر تحصیل کرده، هنرمند و یا ثروت مندند، آمریکاییان را بر آن داشته تا با سازماندهی و برنامه ریزی، از آن‌ها به عنوان مبلغان ارزش‌های آمریکایی در سرتاسر جهان بهره‌گیرند (Gerecht, 2002:30-33). گردشگرهای مسلمانی که ایالات متحده را به عنوان هدف گردشگری خود در نظر می‌گیرند نیز از انتخاب‌های راهبردی‌پردازان قدرت نرم آمریکا محسوب می‌شوند؛ گردشگرانی که از سال ۲۰۰۳ می‌لادی به بعد، تعداد آنان همواره در حال افزایش بوده و از ۴۴۷ هزار گردشگر در این سال به ۶۸۱ هزار نفر در سال ۲۰۰۸ رسیده است (U.S.

Department of Commerce, 2008: 2)

بررسی نتایج نظرسنجی‌ها و پاسخ‌های ابرازشده توسط گردشگران مسلمان و شهروندان خاورمیانه، نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها با یک ذهنیت مثبت نسبت به زمانی که وارد آمریکا شده بودند، آنجا را ترک می‌کنند که البته لزوماً به معنای موافقت آن‌ها با سیاست‌های دولت ایالات متحده نیست؛ اما به هر حال تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تقویت قدرت نرم این کشور خواهد داشت که خود را در بلندمدت نشان خواهد داد؛ همچنین نهادهای مرتبط با سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه بر این باورند که آن دسته از سیاست‌مداران و قانون‌گذاران عرب که تجربه روابط فردی با مردم آمریکا را داشته‌اند، از احساس بهتری نسبت به این کشور برخوردارند که گرچه این تعداد اندک‌اند، از اهمیت بسیاری برخوردارند (Hughes, 2007:12).

در مجموع، علی‌رغم تمرکز قدرت نرم ایالات متحده بر خاورمیانه، واقعیت این است که وضعیت و روند جاری در این منطقه مغایر منافع غرب و به ویژه آمریکاست. در طول سال‌های اخیر وجهه و موقعیت غرب تنزل پیدا کرده است. جوامع خاورمیانه ای بر آن شدند تا از استقلال خود دفاع کنند و بنابراین، به دخالت‌های خارجی در امور کشورهایشان بدبین‌اند؛ به طوری که می‌توان گفت اشتیاق مردم خاورمیانه برای استقلال واقعی، مهم‌ترین مانع در راه اعمال قدرت نرم ایالات متحده در خاورمیانه شناخته می‌شود. آمریکاستیزی اکنون به ایدئولوژی غالب جریان‌های اجتماعی و سیاسی جوامع خاورمیانه ای تبدیل شده است. ایدئولوژی آمریکاستیزی گرچه شاید شناخت درستی از نهادهای اجتماعی و سیاسی و حقوقی جامعه آمریکا نداشته باشد و فرهنگ آمریکا را به درستی نشناسد، اما به سبب سیاست خارجی امپریالیستی این کشور، تمدن و جامعه آمریکایی را یکپارچه مظهر شرارت می‌پندارد. از این رو، اجرای سیاست دیپلماسی عمومی در منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های سیاست خارجی آمریکا چه در دوره حضور جمهوری خواهان و چه در دوره حضور دمکرات‌ها در کاخ سفید، در دستور کار مقامات این کشور قرار داشته است. فصل حاضر به ارزیابی این سیاست در دوره قبل از ۱۱ سپتامبر و بعد از ۱۱ سپتامبر در دوران ریاست جمهوری جورج بوش و باراک اوباما می‌پردازد. (www.publicdiplomacy.wikia.com:1392/01/10)

دیپلماسی عمومی آمریکا در مصر

امضاء قرارداد کمپ دیوید توسط مصر و حمایت رئیس‌جمهور مبارک از اسرائیل، دولت مبارک را به یک شریک منطقه‌ای برای ایالات متحده تبدیل کرد. برای تحکیم این توافقات، واشنگتن بیشتر از ۲۰ سال، بیش از ۱ میلیارد دلار در

سال به قاهره کمک نظامی می‌کرد. در ابتدا تقریباً کمک‌های خارجی به مصر به صورت یکسان پرداخت می‌شد و این کمک‌ها بالغ بر حداقل دو سوم بودجه امنیتی بین سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۷ بود و تا سال ۲۰۰۳ به ۵۰ درصد نیز رسید. در مقابل، در این دوران بودجه اختصاص یافته برای ارتقاء دموکراسی بخش کوچکی از همه کمک‌هایی بود که به مصر داده شد. در این میان بخشی از مشکل موانعی بود که توسط دولت مصر ایجاد شده بود که بودجه‌بندی برای هر گونه برنامه‌ای را مشکل می‌ساخت. مصر (به عنوان بخشی از قرارداد بین واشنگتن و قاهره) کنترل بخش‌هایی را که بودجه کمکی ایالات متحده دریافت می‌کردند را در دست گرفت و بودجه‌ای نیز برای کادر قانونی سازمان‌های وابسته به رژیم مبارک که توسط وزارت وحدت اجتماعی ثبت شده بودند، اختصاص می‌یافت. در نتیجه سازمان‌های وابسته به رژیم مبارک که توسط وزارت وحدت اجتماعی ثبت شده بودند اغلب اوقات بودجه دریافت می‌کردند؛ در حالی که سازمان‌هایی که دیدگاه مخالف داشته یا از چشم‌انداز سیاسی بازتر جانبداری می‌کردند، این بودجه را دریافت نمی‌کردند. (Hamid2011:8)

آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده یک طرح استراتژیک را برای مصر در سال‌های ۲۰۰۹ - ۲۰۰۰ عرضه کرد (این طرح در سال ۱۹۹۹ پیشرفت همکاری نام گرفت) که برنامه آژانس را در ایجاد یک اقتصاد رقابت جهانی برای مصریان تشریح می‌کرد. دو هدف ثانوی این برنامه شامل ایجاد مشاغل در بخش خصوصی و حفظ منابع طبیعی و انسانی مصر است. تنها یکی از این اهداف استراتژیک (اقدامات مصریان در دولت و تقویت مشارکت) با اصلاحات سیاسی و با رشد اقتصادی سر و کار دارند. در سال ۲۰۰۴ به دنبال بازبینی برنامه استراتژیک آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده / مصر، مشخص گردید که این

پروژه در بخش دموکراسی و حکومت اولویت بیشتری را به خود اختصاص داده است؛ علاوه بر این، اهداف ویژه حمایت از دموکراسی در واکنش به آزادی سیاسی بازنویسی شد. (برچر، ۱۳۸۲: ۴۲)

در ادامه کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۵، قدرت دولت مصر برای تعیین بودجه حمایتی برای دموکراسی را حفظ نمود. همزمان با این مصوبه، از سال ۲۰۰۹ - ۲۰۰۴ بودجه‌بندی برای ارتقاء دموکراسی در مصر از ۳ درصد به ۱۸ درصد افزایش یافت. در همین زمان میزانی از بودجه برای دموکراسی به برنامه‌های جامعه مدنی اختصاص یافت. در زمان دولت اوپاما، این سیاست که سازمان‌ها و نهادها، مساعدت ایالات متحده را به شرط موافقت مصر دریافت کنند، دوباره ابقاء شد. (Hamid2011:8) سیاست آمریکا در خصوص حفظ روابط با دولت و حمایت همزمان از جامعه مدنی مصر، نشان دهنده این موضوع بود که دموکراسی آمریکا بر اصلاح سیاسی تدریجی در این کشور تمرکز داشته است؛ بنابراین اهداف آنها شامل توسعه شیوه‌ها و نهادهای بنیادی است (حکومت قانون، احترام به حقوق بشر، یک رسانه مستقل، یک جامعه مدنی پرچوش و خروش) که برای توسعه دموکراسی ضروری بود و به نحوی که مصر را برای مشارکت در دموکراسی (از طریق آموزش به آنها در چگونگی تشکیل و اداره احزاب سیاسی و انتخابات) آماده می‌کرد. اکثر تلاش‌ها برای تحکیم دموکراسی از سوی آمریکایی‌ها (که بودجه آن از طریق هزینه‌های افزایش یافته دموکراسی تامین می‌شود) شامل کنترل انتخابات، حمایت از سازمان‌های جامعه مدنی، افزایش قابلیت و ظرفیت احزاب سیاسی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی و کمک‌رسانی به حکومت‌های ملی، دولتی، محلی (برای عمل کردن به طور دموکراتیک) می‌باشد. (برچر، ۱۳۸۲: ۴۲)

ارزیابی برنامه های دیپلماسی عمومی آمریکا در مصر

طی دوره‌ای که طرح استراتژیک توسط سفیر ایالات متحده در قاهره فرستاده شد، یک سری از تلگراف‌ها از ماه مارس تا ژوئن ۲۰۰۵، فعالیت‌های دیپلماسی عمومی و ارتباطش با تضمین اهداف طرح اجرای ماموریت را گزارش کردند. از ۵۴ فعالیت فهرست شده تنها ۱۶ درصد آن زمینه‌ساز حقوق بشر و دموکراسی است. اکثریت فعالیت‌ها یعنی ۴۰ درصد زمینه‌ساز «درک متقابل» و ۳۳ درصد زمینه‌ساز «شکوفایی اقتصاد» است. اگر چه در مصر دولت مبارک یک متحد ایالات متحده بود؛ اما به آمریکا اجازه نمی‌داد که رادیو سوا^۱ در آنجا پخش شود. دیپلماسی عمومی، در محیط‌های مشکل‌سازی که ممکن است منافع امنیتی ایالات متحده با ارزش‌های آمریکا اختلاف داشته باشد، به تصمیم‌سازان ایالات متحده اجازه می‌دهد تا ایده‌آل‌های آزادی، دموکراسی، حکومت قانون، مدارا و حقوق بشر را به طور مستقیم برای مردم مصر بیان کند و همچنان پیوندهای دو جانبه نزدیک و همکاری امنیتی با دولت را حفظ کند. همان‌گونه که مصر در مسیر تحول دموکراتیک حرکت می‌کند، برنامه‌های آموزشی بیشترین تاثیر را بر سیاست‌های مصر داشته‌اند. با یک انتخابات پارلمانی که در ماه نوامبر برگزار شد، تشکیل حزب و مهارت‌های مبارزاتی به برنامه ارتقا دموکراسی ایالات متحده آموخته است که مخالفین مصری را مورد امتحان قرار دهند. کاربرد دیگر دیپلماسی

۱ رادیو سوا یکی از رادیوهایی است که از کشور مصر پخش می‌شود. این رادیو که اخبار را در کنار موسیقی پخش می‌کند به وسیله دولت ایالات متحده آمریکا تأسیس شده و هزینه آن نیز از سوی کنگره آمریکا پرداخت می‌شود. این رادیو یکی از محصولات رسانه‌ای هیئت کارفرمایان پخش (BBG) می‌باشد. پخش آن از ۲۳ مارس ۲۰۰۲ به صورت شبانه‌روزی آغاز شد و در بیشتر کشورهای عربی قابل دریافت است.

عمومی طی این دوره گسترش عقاید و ایده‌آل‌های دموکراتیک است. (Kent and Taylor, 2002: 81)

در مجموع اینکه، تاسیس بیش از ۵۲ سازمان مردم نهاد در راستای فعالیت های دیپلماسی عمومی آمریکایی ها در مصر تا قبل از سقوط مبارک نمی تواند بدون برنامه و بی حساب بوده باشد و احتمالاً همین وجود همین سازمانها سبب شده تا آمریکایی ها همچنان حضور خود را در این کشور حفظ نموده و پس از انقلاب نیز بجزء یک مورد (واکنش در برابر فیلم آمریکایی در خصوص پیامبر اسلام (ص) هیچ گونه تحرکی علیه آمریکا و سیاست های آن در منطقه در مصر شکل نگرفته است.

موج اخیر تحولات انقلابی در مصر و ارزیابی دیپلماسی عمومی آمریکا

در نظر سیاست‌گذاران ایالات متحده، مصر همیشه کشوری است که دارای نفوذ جدی بر دیگر کشورهای عربی، آفریقایی و اسلامی می‌باشد. موقعیت ژئوپولیتیک مصر به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان عرب، و تأثیرگذاری آن به لحاظ نهادی، ایدئولوژیک، حقوقی و سیاسی در منطقه، می‌تواند از دلایل این نوع نگاه باشد؛ تا مصر را به دومین شریک استراتژیک ایالات متحده در خاورمیانه تبدیل کند. لذا قیام عمومی مردم مصر و کشیده شدن موج انقلابی به این کشور چالش جدی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا گردید؛ تا سیاستمداران و تحلیل‌گران آمریکایی را برای مدیریت بحران - جهت تأمین منافع و ارزش‌های خویش در قبال جریانات به‌وجود آمده - به تکاپو بیندازد. انتقال موج بیداری اسلامی به مصر و تغییر حکومت اقتدارگرا در این کشور، آمریکا را با توجه به موضوع تهدید ارزش‌ها و منافع، زمان پاسخگویی محدود، و وجود وضعیت غافلگیری در پی حوادث مصر با بحران مواجه ساخت. با توجه به این مهم، در فصل حاضر ضمن اشاره به برخی

ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مهم تحولات اخیر مصر، به چگونگی برخورد آمریکا و دیپلماسی عمومی آن کشور در این خصوص، پرداخته می‌شود. با این مقدمه، سوالی که در این فصل مطرح می‌شود این است که دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال تحولات انقلابی در مصر چگونه بوده است؟

نتیجه‌گیری

بعد از وقوع تحولات انقلابی در مصر، سیاست‌گذاران ایالات متحده با سوالات پیچیده‌ای درمورد آینده روابط مصر و ایالات متحده روبرو شدند. مصر، امروز نمایانگر محیط سیاسی پیچیده‌ای برای دیپلماسی عمومی است؛ لذا سؤال این است که چه عاملی باعث تداوم حضور (یا نفوذ) آمریکا در صحنه تحولات سیاسی مصر شد و نقش دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی آمریکا در دوره پس از تحولات اخیر چیست؟ بعد از وقوع تحولات انقلابی در مصر، موضوع دیپلماسی عمومی آمریکا از جمله موضوعاتی است که مورد توجه خاص محافل سیاسی و دانشگاهی قرار گرفت.

موضع ظاهری آمریکا در قبال تحولات مصر اعلام بی طرفی و حمایت از دموکراسی مردمی در این کشور مهم عربی می‌باشد. آمریکا در ظاهر قضیه بسیار محتاطانه از روند فعلی مصر حمایت و از طرفی بگونه‌ای نیز عمل نکرده است که اخوان المسلمین را در مقابل خود قرار بدهد. اما این در حالیست که از زمان سرنگونی حسنی مبارک آمریکایی‌ها روابط خود را با فرماندهان ارتش مستحکم تر کرده و حتی پس از ماجراهای اخیر اعلام کرده‌اند که حمایت‌های مالی خود را از ارتش قطع نخواهند کرد. از سوی دیگر آمریکا علاوه بر جلب اعتماد اخوان و مرسی با دیگر گروه‌های مخالف وی ارتباط تنگاتنگی را برقرار کرده و

اقدامات متحدین آمریکا مانند عربستان نیز در مصر نشان می‌دهد که آن‌ها همواره موازنه را بگونه‌ای که محیط داخلی مصر به تعادل ثابت سیاسی نرسد بهم زده‌اند. اصل کلی آمریکا در ارتباط با گروه‌های مختلف مصری بگونه‌ای بوده که این گروه‌ها همواره نیازمند به حمایت آمریکا از خود را یک نیاز استراتژیک بدانند. در این صورت هر گروهی که به قدرت برسد نیازمند حمایت آمریکا خواهد بود و باید منافع این کشور را تامین کند. به نظر می‌آید آمریکا با روند کنونی و عدم دخالت صریح در تحولات کنونی مصر حداقل در کوتاه مدت از پیروزی یک طرفه قضیه در مصر به صورت همه‌جانبه حمایت نخواهد کرد.

به اعتقاد بیشتر مردم منطقه و مخاطبان دیپلماسی عمومی آمریکا، اگر آمریکا به دنبال نفوذ در مصر و دیگر کشورهای انقلابی منطقه است، باید استانداردهای دوگانه در سیاست‌های بین‌الملل را کنار گذارد. اشغال و کشتار روزانه، حمایت از سرکوب‌ترین رژیم‌های منطقه و تمرکز بر روی ترویج ارزش‌های آمریکا بدون پرداختن به تناقضات و برداشت‌های موکد در این رابطه می‌تواند نتایج معکوسی به بارآورد. که این نیاز به برخورداری یک دیپلماسی عمومی قوی که هم بتواند با مظاهر خشونت به مقابله بپردازد و هم درصدد موجه کردن اقدامات کاخ سفید را در جهان باشد.

بطور کلی می‌توان گفت علیرغم این تناقضات در رفتار دولت آمریکا، دیپلماسی عمومی آمریکا پس از تحولات انقلابی در دید استراتژیست‌های آمریکا بعنوان منافع مهم و در رده سوم منافع آمریکا در عرصه جهانی طبقه‌بندی شده است. چالش‌های پیش‌رو منطقه، اهمیت خاورمیانه را برای سیاست‌مداران و مقامات دیپلماسی آمریکا پس از وقوع این تحولات تغییر داده است که هدف نخست دیپلماسی عمومی براساس محکومیت تروریسم، تقویت مسلمانان

سکولار، آموزش جوانان در جهان اسلام، تبادل متخصصان و آشنایی بیشتر مردم منطقه با ارزش‌های آمریکایی استوار کرده است. مسلماً جهان پس از تحولات انقلابی همچنان که بر سیاست خارجی آمریکا در برخی از مسایل تغییراتی ایجاد کرد، تغییراتی هم در نگرش، الگوها و روندهای دیپلماسی عمومی آمریکا ایجاد نموده است؛ تغییر ساختار دیپلماسی عمومی در درون آمریکا و همچنین نگاه منطقه‌گرایی این سیاست‌نشان از تغییراتی است که در دیپلماسی عمومی آمریکا بوجود آمده است؛ بطوریکه قبل از تحولات انقلابی، دیپلماسی عمومی آمریکا بر کل نظام بین‌الملل وکل‌گرایی را اعمال می‌نمود؛ اما امروزه شاهد فعالیت منطقه‌ای این دیپلماسی بخصوص در منطقه خاورمیانه هستیم.

با توجه به اینکه تحولات شکل گرفته در مصر، نتیجه دگرگونی‌هایی است که در نوع نگرش و آرمان‌های این کشور در مورد دموکراسی، آزادی‌های سیاسی، حقوق بشر و بطور کلی نوع نگاه مردم به سیاست که خود تحت تاثیر آموزش و شبکه‌های رسانه‌ای و به طور کلی انقلاب در ارتباطات بوده است می‌توان پیش بینی کرد که این تحولات به این زودی فروکش نخواهد کرد و مردم تا رسیدن به حقوق حقه خود به مبارزه ادامه خواهند داد. بنابراین ایالات متحده با این فرض که این تحولات به سایر کشورهای منطقه سرایت پیدا خواهد کرد، استراتژی خود را در قبال برخورد با مسائل خاورمیانه و شمال آفریقا از تأکید صرف بر دولت‌ها و حمایت از متحدین خود در منطقه به سمت پشتیبانی از حرکت‌های آزادیخواهانه و دموکراسی‌طلبانه مردم تغییر داده است و سعی دارد تا با استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی که نقطه اصلی آن برقراری ارتباط با مردم با هدف تاثیرگذاری بر افکار آنها است، ملت‌ها را با خود همراه کرده و منافع خود را از این طریق تامین کند. در حال حاضر در مورد برکناری محمد مرسی و اخوان

المسلمین از قدرت، ده ها اسناد دولتی آمریکا حاکی از این دارد که واشنگتن، سیاستمداران مخالف سکولار را برای برکناری مرسی از طریق برنامه ای که از سوی وزارت امور خارجه آمریکا طراحی شده مورد حمایت مالی قرار داده است. این برنامه وزارت امور خارجه آمریکا مدعی تلاش برای گسترش و تحکیم دموکراسی در منطقه خاورمیانه است. در میان افرادی که از سوی وزارت امور خارجه آمریکا برای برکناری مرسی مورد حمایت قرار گرفتند، تعدادی از فعالان و رهبران مخالف مرسی و قبطی های مصری خارج از کشور نیز وجود دارند. این افراد از طریق رسانه ها و پایگاههای ارتباطات اجتماعی برای کودتای ضدمرسی وارد عمل شده اند.

منابع

- ایزدی، فواد (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- برچر، مایکل (۱۳۸۲) «بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران ها»، ترجمه میر فردین قریشی، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جووت کورت (۱۳۷۴)، «ساختار تبلیغات سیاسی»، ترجمه محبوبه ملک‌لو، فصلنامه رسانه، سال ششم شماره ۱ صفحه ۲۸.
- خوشوقت، محمدحسین (۱۳۷۵)، «تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی»، تهران: وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۵)، «آمریکا و دگرگونی در استراتژی کلان»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال ۸، شماره ۲۱.
- صبوری، ضیاء الدین (۱۳۹۰) «قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی مبانی تحولات و پیامدها»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

وحیدی، موسی الرضا (۱۳۸۶) «تغییر عرصه سیاست بین الملل و دگرگونی ماهیت دیپلماسی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان.

وحیدی، موسی الرضا (۱۳۸۷)، «تحلیل تئوریکی تاثیر فرهنگ بر سیاست خارجی»، مجله تخصصی علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد.

هادیان، ناصر و افسانه احدی (۱۳۸۸)، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، پاییز.

«نشست امریکا و خاورمیانه سیاست خارجی آمریکا، منظومه‌ها و رفتارها»، ۴/۸ / ۱۳۹۰، رک به

[http://irdiplomacy.ir/fa/files/7/bodyView/12/%D8%B3%DB%8C%D8Brachman,J\(2006\)"High-tech Terror: Al-Qaeda,s Use of New Technology"](http://irdiplomacy.ir/fa/files/7/bodyView/12/%D8%B3%DB%8C%D8Brachman,J(2006))
Fletcher Forum of World Affairs, Vol.30, No2. available at:
www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA458499 (accessed on: 2012/5/16)

Byman, Daniel(2011) "Israel's Pessimistic View of the Arab Spring" Center for Strategic and International Studies *The Washington Quarterly*, 34:3 pp. 123_136, available at:

csis.org/files/publication/twq11summerbyman.pdf (accessed on: 2012/3/17)

Dajostin, E. (2003). Changing minds, winning peace: A new strategic direction for U.S. public diplomacy in the Arab and Muslim world[Report of the Advisory Group on Public Diplomacy for the Arab and Muslim World submitted to the Committee on Appropriations, U.S. House of Representatives, Washington, DC]. Available at:

www.state.gov/documents/organization/24882.pdf (accessed on: 2012/10/11)

Elliott ,Abrams(2011) "Egypt, Lebanon, and American Policy in the Middle East" February 9, Senior Fellow for Middle Eastern Studies Council on Foreign Relations, available at:

mycatbirdseat.com/2013/05/38374-us-watchdog.../elliott-abrams (accessed on: 2012/2/12)

Friedman, M. (2004) "Martin Buber: The life of dialogue." New York: Routledge. available at: www.religion-online.org/showbook.asp?title=459 (accessed on: 2012/3/11)

Gordon, Ph. (2003), "Bush's Middle East Vision", *Survival*, Vol. 45, No.

- 1, Spring, available at: www.tandfonline.com > List of Issues > Table of Contents (accessed on: 2012/5/16).
- Habermas, J. (1987). "The Theory of Communicative Action", Vol. 2: A Critique of Functionalist Reason. Boston: Beacon. available at: www.williams.edu/Economics/papers/Habermas.pdf (accessed on: 2012/11/26)
- Kent, M. L., & Taylor, M. (2002). "Toward a Dialogic Theory of Public Relations." *Public Relations Review*, 28, 21-37.[CrossRef] available at: www.sciencedirect.com/science/article/pii/S036381110200108X (accessed on: 2012/12/11).
- Laswell, H. D. (1942). "Communications Research and Politics. In D. Waples (Ed.), *Print, Radio, Film in a Democracy*" (pp. 100-121). Chicago: University of Chicago Press. available at: www.routledge.com/books/details/9780415964951/ (accessed on: 2012/5/16)
- Lerner, Rabbi Michael(2011) "Tunisia, Egypt, and Israel" *Tikkun*, 08879982, Spring, Vol. 26, Issue 2 available at: tikkun.dukejournals.org/content/26/2.toc (accessed on: 2012/5/16)
- Lynch, Mark(2011) ,"For background on these regional events , Black, Hounshell and suzan classei" , Washington DC foreign policy ebooks *Revolution in the Arab World: Tunisia, Egypt and the Unmaking of an Era pp 31-42* vol. 53 no. 2 April–May available at: www.earthquakescanada.nrcan.gc.ca/zones/eastcan-eng.php (accessed on: 2012/12/21).
- Masoud, Tarek(2011)" Liberty, Democracy, and Discord in Egypt" CRS Report for Congress and International Studies *The Washington Quarterly*, pp117-129 available at: csis.org/files/publication/twq12FallMazarr.pdf (accessed on: 2012/08/08)
- Mowlana Hamid(1985), *International Flows of Information* ,Paris: UNESCO, available at: unesdoc.unesco.org/images/0006/000652/065258eo.pdf (accessed on: 2012/5/1).
- National Security Council. (1952). "United States objectives and policies with respect to the Arab states and Israel". Washington, DC: Author. available at: https://en.wikipedia.org/wiki/Israel–United_States_relations (accessed on: 2012/5/16).
- National Security Council. (1954). "United States Objectives and Policies with Respect to the Near East". Washington, DC: Office of the President available at: https://en.wikipedia.org/wiki/Israel–United_States_relations. (accessed on: 2012/5/16).

- Nye, Joseph (2004 b), "Soft Power and American Foreign Policy", *Political Science Quarterly*, Vol. 119, No. 2 available at: www.academia.edu/.../Soft_Power_in_MENA_Reforming_American (accessed on: 2012/3/16).
- Nye, Joseph s. (2004 a), "Hard Power, Soft Power and War on Terrorism, in American Power in the 21th Century", Ed by David Held, Cambridge Policy Press, available at: www.polity.co.uk/book.asp?ref=9780745633473 (accessed on: 2012/12/16).